

تصویرگر اول به مخاطب ایرانی فکر می کند یا به مخاطب خارجی؟

○ مریم آران

می‌کنیم. هم چنین، کتاب‌های فرانسوی را به ناشرین ایرانی معرفی می‌کنیم و ناشرین ایرانی، حق تألیف این کتاب‌ها را می‌خرند. آن کتاب ایرانی که به انتشارات گالیما معرفی شده، رمانی است بر اساس زندگی یک کودک افغانی. با مسئولان گالیما که صحبت می‌کردیم، از ما خواستند اگر کتابی با محتوای زندگی کودکان افغانستان داریم، به آن‌ها ارائه دهیم و ما هم این کتاب را که تا به حال به چاپ نرسیده است، به آن‌ها معرفی کردیم.

رکسانا سپهر: من تا به حال سه کتاب کودک ترجمه کرده‌ام به نام‌های «آذر»، «موریس در سرزمین بیگانگان» و «رازها» که این آخری با نام «راز من»، زیر چاپ است.

حسن عامه کن: تصویرگر و نقاش ایرانی هستیم. من با ناشرین خارجی همکاری دارم و آخرین کتابم، تا کنون به چهار زبان منتشر شده است. من با خانم حائری در مورد کتابی که گفتند، با ناشرین خارجی در ارتباط هستیم و در این مورد همکاری می‌کنم. این کتاب، ابتدا توسط انتشارات زیتون به چاپ رسیده است.

حمید رضا بیدقی: من تصویرگر هستم و حدود سی تا چهل عنوان کتاب در داخل ایران دارم و فکر می‌کنم رکورددار چاپ کتاب در خارج از کشور باشم. تا کنون ۸ جلد کتاب، در خارج از کشور چاپ کرده‌ام که هر کدام به چهار یا پنج زبان

نشست «تولید و گسترش کتاب کودک و نوجوان در فرانسه و ایران»، صبح روز دوشنبه، بیست و یکم اردیبهشت ماه برگزار شد. در این نشست که در حاشیه هفدهمین، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، در کافه ادبی غرفه فرانسه برپا شد. بحث تصویرگری کتاب کودک در اولویت قرار داشت.

در این نشست ناتالی بو، لیلی حائری یزدی، فرانسوازمتو، ژانگی‌بوآن، بیتا خلیلی دیلمی (معلم زبان فرانسه)، میترا دهقان (از انتشارات کوچک و جوانی)، مهناز هدایتی، (نویسنده)، آزیبا صدقی (از انتشارات مدیا)، رکسانا رئیس دانا (نویسنده و مترجم)، حسن عامه کن و حمید رضا بیدقی حضور داشتند.

لیلی حائری یزدی: یکی از کارهای من، تشخیص کتاب‌های خوب ایرانی و معرفی آن‌ها به ناشرین خارجی و بالعکس است. من با بسیاری از تصویرگران خوب ایرانی همکاری می‌کنم که اغلب آن‌ها فعالیت‌های بین‌المللی دارند و صاحب جوایز بین‌المللی نیز هستند. هم چنین مؤسس آژانس ادبی کیا هستم که همین فعالیت‌ها را در آن جا نیز دارم و از طریق این مؤسسه، با انتشارات گالیما فرانسه ارتباط گرفته‌ام که در حال حاضر، یک نویسنده ایرانی را به این انتشارات معرفی کرده‌ام و آن‌ها در حال بررسی چاپ کتاب این نویسنده هستند. با چند انتشارات دیگر که در فرانسه فعالیت می‌کنند هم به همین گونه همکاری

ترجمه شده است. تمام این کتاب‌ها توسط یک ناشر ژاپنی چاپ شده است.

در حال حاضر، می‌خواهم فعالیت‌ها را با خانم حائری ادامه بدهم و در بازارهای اروپا و آمریکا فعالیت کنم. چیزی که در این جا می‌خواهم اضافه کنم، تنوع تکنیکی کارهای تصویری‌ام است. نمونه آن، کلاژ پوست طبیعی حیوانات یا با طرح فرش است. نکته دیگر این است که متن این کتاب‌ها را هم خودم نوشته‌ام.

یکی از حضار: آیا این کتاب‌ها به زبان فارسی هم هستند؟

بیدیقی: خیر. این‌ها فقط به زبان‌های خارجی ترجمه شده‌اند؛ چرا که امتیاز آن‌ها متعلق به یک ناشر خارجی است و بیشتر به دلایل اقتصادی است که آن‌ها را در ایران چاپ نمی‌کنم.

لیلی حائری: هاشمی نژاد که صاحب انتشارات افق است، کار جالبی انجام داده و آن، گرفتن نمایندگی این ناشر در داخل ایران است. تصویرگران بسیاری با این ناشر کار می‌کنند. و به این ترتیب امکانش فراهم می‌شود که لااقل این کتاب‌های خوب، در داخل کشور خودمان هم توزیع شود. این ناشر ژاپنی، بیشترین همکاری را با تصویرگران ایرانی داشته است.

بینا خلیلی: ممکن است که این کتاب‌ها به زبان فارسی برای بچه‌های ایرانی چاپ شود؟

حمید رضا بیدیقی: البته، من متن فارسی و عربی این کتاب‌ها را به ناشر ژاپنی داده‌ام که قرار است در خود ژاپن چاپ شود. به عنوان مثال، این کتاب‌ها تا کنون به زبان‌های پرتغالی و اسپانیولی چاپ شده است.

فرانسوازمتو: ما در این یکی دو روزه که دیدارهایی با حائری و عامه کن داشتیم، متوجه شدیم که ایشان خیلی با استعداد هستند و کتاب‌های خیلی خوبی هم دارند. من از بین آن‌ها کتاب‌های مورد علاقه‌ام را انتخاب کردم که بتوانم برای خرید حقوق مؤلفش اقدام کنم.

ما به طور کلی شرایط و سلاطین بسیار مختلفی داریم و به همین دلیل، بسیاری از کتاب‌هایی که در نمایشگاه ایران عرضه شده، از قابلیت ارائه در بازارهای فرانسه برخوردارند. متأسفانه کاتالوگی که در اختیار من است، بیشتر به فرهنگ‌های دیگر می‌پردازد، در حالی که من دنبال کتاب‌هایی هستم که به فرهنگ سنتی ایران می‌پردازند و یا داستان‌های کوتاهی که نشان می‌دهند کودکان و نوجوانان ایران، چگونه زندگی می‌کنند. البته، ناشران دیگری هستند که به موضوعات دیگر نیز ابراز علاقه می‌کنند. ما خانم تصویرگر جوانی را دیدیم و

هم چنین کارهای آقای عامه کن را که از نظر هنری، کارشان بسیار برجسته است. کارهای خیلی خوبی دارند. به عنوان مثال، داستانی در مورد زاغ و یا کلاغ بود و یا داستانی در مورد جنگ که بسیار قوی کار شده بود، ولی این داستان‌ها در برنامه کاری من و سیاست مؤسسه نمی‌گنجد. معمولاً مؤسسات نشر در فرانسه، موضوعات جدیدی را که در چارت کارشان نباشد، وارد برنامه‌شان

فرانسوازمتو:

بسیاری از کتاب‌هایی که در نمایشگاه ایران عرضه شده،

از قابلیت ارائه در بازارهای فرانسه برخوردارند.

متأسفانه کاتالوگی که در اختیار من است،

بیشتر به فرهنگ‌های دیگر می‌پردازد،

در حالی که من دنبال کتاب‌هایی هستم که

به فرهنگ سنتی ایران می‌پردازند و یا

داستان‌های کوتاهی که نشان می‌دهند

کودکان و نوجوانان ایران،

چگونه زندگی می‌کنند

نمی‌کنند.

ناتالی بو: نقش من در این جا دشوارتر است، باید بگویم که خیلی علاقه دارم به کتاب‌هایی که در ایران تولید می‌شود. من متوجه کیفیت خوب این کتاب‌ها هستم و علاقه دارم که این کتاب‌ها را ببینم، ولی کار من در فرانسه، نقد کتاب تولید شده در فرانسه است. بنابراین، باید روزی این کتاب‌ها به فرانسه ترجمه شود، تا من بتوانم در مورد این‌ها صحبت کنم و یا نظری بدهم. با توجه به این که کار بخش بین‌الملل را بر عهده دارم، می‌توانم شاهد ارائه کار با کیفیت و خوب

کتاب کودک ایران به فرانسه باشم. من از طریق کمیته بین‌المللی کتاب، پیشرفت و کارکرد کتاب را در خارج از کشور پیگیری می‌کنم. از طریق فهرست افتخاری کتاب که کتاب‌های ایرانی هم جزء آن هستند. مثلاً در مورد جایزه کریستین اندرسن این که کدام کشور، کدام تصویرگر و کدام مؤلف را معرفی می‌کند، برای من جالب است. می‌خواهم ببینم این معرفی چگونه و بر چه اساسی انجام می‌گیرد و این کارها به چه صورت عرضه می‌شود. جایزه براتیسلاوا می‌مربوط به کشور اسلوانی را هم یکی از تصویرگران ایرانی برده است که ما از طریق همین کمیته، در جریان آن قرار گرفتیم.

لیلی حائری: حافظ میر آفتابی که در داخل و خارج ایران، جوایز بسیاری را برده است، امسال هم به جشنواره‌ها معرفی می‌شود.

فرانسوازمتو: کیفیت کتاب‌هایی که ما می‌بینیم، چه از نظر صفحه‌بندی و چه از نظر کار تصویرگری، بسیار دقیق و حرفه‌ای است. من این سؤال را از تصویرگران ایرانی دارم که وقتی کار می‌کنید، ابتدا به بازار کتاب در داخل کشور فکر می‌کنید، یعنی به فکر کتاب کودک و نوجوانان ایرانی هستید و بعد به فکر بازار کتاب در خارج از کشور یا این که از اول به این فکر می‌کنید که این کتاب برای خارج آماده شود؟ آیا این خطری ایجاد نمی‌کند که قبل از این که به فکر مخاطب ایرانی باشید، بخواهید به فکر مخاطب خارجی باشید؟ بحث این نیست که بخواهیم بگوییم که تیپ تیپ ایرانی است، بلکه موضوع این است سبکی را در ایران مشخص و ارائه کنیم، قبل از این که بخواهیم خارجی پسندش را ارائه کنیم.

لیلی حائری: تمام این کتاب‌ها که ناشر ژاپنی چاپ کرده، همه فضای ایرانی دارند و کلاً داستان‌ها با مضمون ایرانی است. در مسابقات تصویرگری کتاب کودک هم توانست جایزه‌ها را تصاحب کند و یکی از بهترین تصویرگری‌های کتاب شناخته شد. به طور کل، تصاویر برای داستان ایرانی و بر اساس داستان ایرانی ساخته می‌شود و این ناشر ژاپنی، مانند خانم متو، به فضای ایرانی کارها علاقه دارد و به آن توجه می‌کند. البته، تصویرگر آزاد است که اگر ناشر بخواهد، برای یک داستان خارجی، تصویری با سبک خارجی ارائه دهد.

تصویرگرها بر اساس سفارش ناشر عمل کنند، اما بدون تردید و در درجه اول، فضای ایرانی را برای تصویرگری انتخاب می‌کنند.

هاشمی نژاد:

تصویرگران ما صاحب این درک هستند که

بخواهند کارهای خود را در ایران چاپ کنند و

به طور حتم می‌دانند که از این کارها

استقبال خواهد شد. به این صورت هم نیست که

ما هیچ کتاب با کیفیتی در ایران

نداشته باشیم

حمید رضا بیدقی: من شخصاً به عنوان یک تصویرگر ایرانی، خیلی سعی نمی‌کنم که به شعار ایرانی بودن کار توجه داشته باشم. من چه در کارهایی که در داخل انجام می‌دهم و چه در کارهایی که در خارج انجام می‌دهم، موضوع ایرانی بودن را برای خودم کلیشه نمی‌کنم. البته به طور کل، فضای ایرانی بودن را در آن حفظ می‌کنم. به عنوان مثال، در یکی از کتاب‌هایم که داستان در یک جنگل اتفاق می‌افتد، این جنگل در ایران است

حائری:

تصاویر برای داستان ایرانی و بر اساس داستان ایرانی ساخته می‌شود و این ناشر ژاپنی، مانند خانم متو، به فضای ایرانی کارها علاقه دارد و به آن توجه می‌کند. البته، تصویرگر آزاد است که اگر ناشر بخواهد، برای یک داستان خارجی، تصویری با سبک خارجی ارائه دهد. تصویرگرها بر اساس سفارش ناشر عمل کنند، اما بدون تردید و در درجه اول، فضای ایرانی را برای تصویرگری انتخاب می‌کنند

و تمام حیواناتی که در این جنگل کشیدم، حیواناتی هستند که در جنگل‌های ایران، فیل نداریم، ولی شتر داریم.

هم چنین در کتاب دیگرم، لباسی برای شخصیت مادر داستان انتخاب کردم که مادر خودم، وقتی من کودک بودم، به تن می‌کرد و این لباسی است که اکثر خانم‌های مسن ایرانی استفاده می‌کنند. من دوست دارم به جایی برسیم که ژاپنی‌ها به آن جا رسیده‌اند. در کار تصویرگری، هر کجا ما یک نقاشی اسب ژاپنی ببینیم، آن را تشخیص می‌دهیم؛ بدون آن که نوشته ژاپنی کنار آن باشد یا توضیحی در مورد ژاپنی بودن آن داده شده باشد.

خلیلی: آیا سلیقه و ذوق بچه‌های ایرانی، همان سلیقه و ذوق بچه‌های اروپایی است و یا سلیقه، بچه‌ها در کل جهان، به یک شکل است؟

هاشمی نژاد: من فکر می‌کنم که دو زاویه وجود دارد. یکی این است که تصویرگر چه دیدگاهی را در نظر می‌گیرد که در این میان، البته بحث هویت هم مطرح می‌شود و یکی این که آیا ناشر دید ایرانی دارد یا دید خارجی؟ این بحث کاملاً تخصصی است و نکات ریز دارد. وقتی تصویرگر به فکر چاپ در ایران است، فکر امکانات چاپ کتاب در ایران و فکر کاغذ ایران هم هست. به همین میزان کیفیت تصاویر، رنگ و... به امکانات تولید در ایران بستگی دارد. همین کتاب‌ها که با کیفیت پایین و با کاغذ نامرغوب چاپ می‌شوند، شاید خیلی پایین‌تر از کتاب‌هایی باشند که با کاغذ مرغوب چاپ شده‌اند. به طور کلی، بحث تکنیکی این جا مطرح است. محدودیت تکنولوژی باعث می‌شود که ناشر اگر بخواهد به فکر بازار ایران باشد، با کمبود امکانات رو به رو شود. بنابراین، کار به این زیبایی در نخواهد آمد.

مسئله این است که مخاطب ایرانی خواهان کار با کیفیت بالاست یا خیر که بدون شک، پاسخ او مثبت است. البته، ما تکنولوژی چاپ با کیفیت بالا را در ایران داریم، ولی چنان قیمت بالا می‌رود که مادر و پدرها توان خرید آن کار را ندارند. این کارها پنج تا ده هزار تیراژ را در ایران دارد، ولی قیمت کار چنان بالاست که از خرید آن‌ها صرف نظر می‌کنند.

نکته دیگری که در این جا مطرح است، این است که تصویرگران ما صاحب این درک هستند که بخواهند کارهای خود را در ایران چاپ کنند و به طور حتم می‌دانند که از این کارها استقبال خواهد شد. به این صورت هم نیست که ما هیچ کتاب با کیفیتی

در ایران نداشته باشیم. چهار تا از همین کتاب‌های ژاپنی را کانون در ایران چاپ کرد، ناشران ایرانی هم هستند که وارد این عرصه شده‌اند و در این زمینه فعالیت می‌کنند.

سؤال ما از شما این است که اگر ناشران ایرانی، کتاب‌ها را با قطع کوچک‌تر، ولی با کیفیت بالاتری ارائه دهند، آیا در بازارهای جهانی، این کتاب‌ها دست کم گرفته نخواهد شد؟ فرانسواز متو: من اولین کسی بودم که آلبوم‌های کتاب کودک هند را خریداری و ترجمه کردم.

وقتی که من اولین کتاب هندی را نگاه می‌کردم، کاری بود که از نظر فنی و از نظر کیفی، بسیار پایین بود. از کاغذ نامرغوب استفاده شده بود و یک طرف کار کاغذ مات داشت و طرف دیگر کاغذ براق! وسط آن هم با ماشین دوخت سنجاق شده بود. از طرف دیگر، از نظر کار گرافیکی و محتوای مطلب، این کتاب بسیار خوب بود. برای همین، وقتی که مطلب و کیفیت گرافیکی کار را دیدم، علاقه‌مند شدم که آن را چاپ کنم. کتابی که من چاپ کردم. با توجه به این که تمام موارد فنی را در نظر گرفته بودم، بسیار زیباتر بود.

مشکلی که برای من ایجاد می‌کرد، مسئله فنی و بخش تکنیکی کار بود که با توجه به این که آن‌ها کار چاپ کتاب را به صورت سنتی انجام می‌دادند، باید تغییرات عمده‌ای در آن می‌دادیم.

بنابراین، ما کار را ابتدا اسکن و بعد درستش کردیم. به طور کلی چاپ کتاب در فرانسه، در قطع و اندازه‌های گوناگونی انجام می‌گیرد و از این لحاظ محدودیتی نداریم.

بنابراین در خیلی موارد، اندازه کار مشکلی ایجاد نمی‌کند. ما سی دی کار را می‌خریم روی اندازه‌های آن کار می‌کنیم.

پیش از این، ما داستان‌های فراوانی از هند و دیگر کشورها چاپ کرده‌ایم که البته همه آن‌ها در قطع کوچک چاپ شده است و این به دلیل نبود همین سی‌دی‌ها بود. این کتاب‌ها وقتی در کنار کتاب‌های بزرگ قرار می‌گرفت، دیده نمی‌شد. با وجود این، مسئله مهم در فرانسه، محتوا و تصویر کتاب است.

نکته دیگر این است که همان طور که این کتاب‌ها در خارج از کشور فرانسه فروش خوبی داشتند، در داخل هم به همان خوبی از این کتاب‌ها استقبال شد. دلیلش این است که بچه‌ها زیرکی مخصوص به خودشان را دارند و حقایق را درک می‌کنند.

هاشمی نژاد: بحث کتاب ایران در فرانسه، با بحث کتاب فرانسه در ایران، کاملاً متفاوت است. مردم فرانسه برای پیشرفت خودشان، به آداب ملل دیگر علاقه نشان می‌دهند، در حالی که ما فرهنگ خودمان را داریم. اگر هم کتاب‌های خارجی در ایران با فروش خوب رو به رو می‌شود، بیشتر به دلیل کیفیت خوب کتاب‌های خارجی است. به نظر من، کار باید جهانی باشد.

فرانسواز متو: من هم با این نظر موافقم.

فرانسواز متو:

من این سؤال را از تصویرگران ایرانی دارم که وقتی کار می‌کنید، ابتدا به بازار کتاب در داخل کشور فکر می‌کنید، یعنی به فکر کتاب کودک و نوجوانان ایرانی هستید و بعد به فکر بازار کتاب در خارج از کشور یا این که از اول به این فکر می‌کنید که این کتاب برای خارج آماده شود؟